

عملگرایی در اسلام و رابطه آن با تصمیم‌گیری مدیریتی

اسدالله احمدی / دکترای قرآن و علوم گرایش مدیریت جامعه‌المصطفی العالمیه

asahmadi1968@gmail.com



orcid.org/0009-0007-0721-5396

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه عملگرایی در اسلام و رابطه آن با تصمیم‌گیری مدیریتی انجام شده است. دغدغه اصلی پژوهش این بوده است که معلوم کند با توجه به دیدگاه «عملگرایی» در غرب، اسلام در این زمینه چه نظری دارد؟ و این دیدگاه چه رابطه‌ای با تصمیم‌گیری به‌مثابه یکی از فرایندهای مدیریتی دارد؟ برای بررسی این مسئله، پژوهش به شیوه جست‌وجوی کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، به منابع اصیل اسلامی (مانند قرآن و منابع حدیثی معتبر) مراجعه و آیات و روایات مربوط به مسئله را جمع‌آوری نموده و با استفاده از روش توصیفی و تحلیل اسنادی به این مطلب دست یافته که اسلام دینی است که به عمل‌گرایی دارد. البته با توجه به مبانی اعتقادی و ارزشی مطرح در اسلام، عملی مقبول این دیدگاه است که بر پایه ایمان، نیت الهی و مطابق با ارزش‌های ثابت دینی باشد؛ یعنی علاوه بر حسن فعلی، حسن فاعلی نیز داشته باشد. همین نکته موجب تفاوت بین عملگرایی اسلامی و غربی شده است و با توجه به گستره معنایی عمل از دیدگاه اسلام، این دیدگاه بر تصمیم‌گیری مدیریتی به‌عنوان یک عمل، اثر مستقیم دارد.

کلیدواژه‌ها: عملگرایی غربی، عملگرایی اسلامی، تصمیم‌گیری مدیریتی.

هنگامی که آفریدگار هستی موجودی به نام انسان آفرید، عالم خاکی میدانی شد تا انسان با گوی عمل به کردار برتر دست یابد و بکوشد تا به جایگاه شایسته خود نائل آید؛ زیرا فردوس و جحیم نتیجه رفتار آدمی است که بی کم و کاست به خود او برمی‌گردد. از سوی دیگر، رفتار و عملکرد انسان‌ها در ابعاد فردی و اجتماعی در یک نظام اجتماعی کوچک یا بزرگ مبتنی بر فرهنگی متشکل از باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای مشترک آنهاست.

بحث مدیریت اجتماعی و سازمانی به‌عنوان بُعدی از ابعاد حیات اجتماعی انسان نیز در قالب همین مفهوم قابل طرح است. از این رو «مفروضات اساسی افراد یک جامعه زیربنای همه مشاهدات، اندیشه‌ها و تجربیات و همه عملکردهای آنان» (رضائیان، ۱۳۸۶، ص ۲) دانسته شده است.

اما در میان جوامع بشری در زمینه «نظر» و «عمل» گونه‌ای افراط و تفریط بوده است. گاهی به علم و نظر چسبیده‌اند و عمل به فراموشی سپرده شده و گاهی به عکس، عملگرا شده‌اند و به دانش و نظر اهمیت نداده‌اند؛ مثلاً در جوامع گوناگون بشری و به‌ویژه در جوامع اسلامی در میان عامه مردم به خاطر دنیازدگی و در میان مدعیان روشنفکری، به خاطر علم‌زدگی، به عمل بی‌توجهی شده است. به عکس، جوامع روشنفکری غرب براساس یک سلسله مبانی و پیش‌فرض‌ها، به ترویج عملگرایی پرداخته‌اند و نظر و دانشی را که احیاناً جهت‌گیری عملی ندارد و منجر به عمل و تجربه حسی خاص نگردد، بی‌اهمیت جلوه داده است.

از این رو آشنایی با دیدگاه اسلام در زمینه عملگرایی و شناخت مفروضات اساسی آن برای درک چگونگی عملکرد افراد پیرو آن و گرایش آنان به کار و کوشش یا عدم گرایش به آن، از اهمیت زیادی برخوردار است که بررسی آن - ولو در حد یک مقاله - ضروری به نظر می‌رسد.

بر همین اساس، این سؤال مطرح است که دیدگاه اسلام در خصوص عملگرایی چیست؟ و عمل مطلوب از منظر آموزه‌های اسلامی کدام است؟ همچنین رابطه عملگرایی در این دیدگاه با تصمیم‌گیری مدیریتی چگونه است؟

با جست‌وجویی که صورت گرفت، تحقیقی در این قالب و با این ترکیب انجام نشده و یا تحقیق به آن دست نیافته است.

بحث «عمل» در اسلام، بحث مهمی است که در منابع دینی و اسلامی برای آن اهتمام زیاد قائل شده‌اند و دانشمندان مسلمان نیز در مباحث اخلاقی، فقهی و اعتقادی، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی بر آن تأکید ورزیده و مباحثی را با عناوین گوناگون در این زمینه مطرح نموده‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه عمل که برخی از آنها در جدول پیشینه نشان داده شده، هر کدام از زاویه خاصی به این موضوع پرداخته است. اما موضوع عملگرایی در اسلام و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری مدیریتی، در این تحقیقات بررسی نشده است.

در این میان، تنها پژوهشی که با عنوان **عملگرایی در اسلام و اثرات آن بر برخی فرایندهای مدیریت** (سیدحسینی، ۱۳۷۷) انجام شده است، به موضوع این پژوهش مربوط می‌شود. اما همان‌گونه که خود ایشان هم یادآور شده، مباحث ایشان کلی است و از این رو پیشنهاد می‌کند که این بحث به صورت جزئی در خصوص هر یک از فرایندهای مدیریتی واکاوی شود.

علاوه بر این، شیوه کار در این پژوهش از جهات گوناگون، هم در بحث مبانی نظری و هم در بحث چپستی عمل از دیدگاه اسلام با بحث ایشان متفاوت است. در موضوع تصمیم‌گیری نیز تحقیقات متعددی با رویکرد اسلامی انجام شده، اما در هیچ‌کدام به رابطه آن با عملگرایی اسلامی اشاره‌ای نشده که در جدول (۱) به چند نمونه از این تحقیقات نیز اشاره گردیده است:

جدول ۱: پیشینه پژوهش

پژوهشگران	عنوان تحقیق	سال	محتوای پژوهش
۱ اکبری زاده، طیبه	معناشناسی عمل صالح و حوزه‌های معنایی مرتبط با آن در قرآن	۱۳۹۵	بررسی واژگان «صالح» و «عمل» و واژه‌های مرتبط با آن در قرآن، مصادیق عمل صالح، ارتباط ایمان با عمل صالح در بیان قرآن و معناشناسی آن.
۲ احمدزاده، سیدمصطفی	چپستی عمل صالح در قرآن کریم	۱۳۹۶	معناشناسی و ویژگی‌های عمل صالح از دیدگاه قرآن، انواع، مراتب و آثار عمل صالح، زمینه‌ها و موانع آن.
۳ وطن دوست، رضا	عمل در قرآن	۱۳۹۱	بیان شاخص‌های عمل، راه‌های شناخت عمل، اوصاف عمل، اصول حاکم بر رفتار آدمی، بایدها و نبایدهای عمل، آثار پسندیده و نکوهیده عمل از دیدگاه قرآن و روایات.
۴ صفی‌الله خان	العمل الصالح فی القرآن الکریم	۱۳۸۸	بررسی عمل صالح از منظر قرآن کریم.
۵ برهانی، سلمانعلی	رابطه علم و عمل در تربیت اسلامی	۱۳۸۴	تبیین جایگاه و ارزش عمل در تربیت اسلامی.
۶ جعفری، ولایت حسین	حقیقت ایمان و عمل صالح و رابطه آن با یکدیگر	۱۳۸۵	بررسی ماهیت ایمان و عمل صالح و تأثیر و تأثر آنها در یکدیگر از منظر آیات و روایات.
۱۰ حسینی، سیدرضا	عملگرایی در اسلام و اثرات آن بر برخی از فرایندهای مدیریت	۱۳۸۸	تبیین نحوه مطلوب‌گرایی به عمل در اسلام و آثار آن بر برخی از فرایندهای مدیریتی با تأکید بر قرآن.
۱۱ طلعیانی، مهدی و خوانساری، فریبا حسین	معیارهای انتخاب و تصمیم‌گیری در سبک زندگی اقتصادی از منظر صحیفه سجاده	۱۳۹۶	ارائه الگوی سبک زندگی اقتصادی از منظر صحیفه سجاده.
۱۲ مهدی عزیزی و روح‌الله رازینی	طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی	۱۳۹۴	بررسی تأثیر اندیشه اسلامی بر فرایند تصمیم‌گیری و عوامل مؤثر بر آن از این منظر.
۱۳ حمزه‌پور، مهدی و عزیزی، مهدی	گام‌های کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی	۱۳۹۷	بررسی گام‌ها و اقدامات لازم برای کاربردی کردن تصمیم‌گیری از منظر اسلام.

۱. روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است و به لحاظ جهت‌گیری و هدف، بنیادی - کاربردی - توسعه‌ای است. از نظر روش تحلیل داده‌ها، «توصیفی - تحلیلی» است که علاوه بر توصیف آنچه هست، از تحلیل اسناد بهره گرفته است.

در تحقیقات توصیفی - تحلیلی، محقق ابتدا به تصویرسازی آنچه که هست می‌پردازد و سپس به تشریح و تبیین دلایل و چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. از ویژگی‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی این است که محقق در موقعیت و وضعیت متغیرها نقش ندارد و آنها را دستکاری و کنترل نمی‌کند و صرفاً به توصیف و تشریح آنچه وجود دارد، می‌پردازد (اخوت، ۱۳۹۳).

از نظر ابزار گردآوری اطلاعات، از شیوه کتابخانه‌ای بهره برده شده است؛ یعنی ابتدا با استفاده از نرم‌افزار نور و یا به صورت مستقیم، به منابع دست اول دینی نظیر قرآن و کتاب‌های معتبر حدیثی مانند *نهج البلاغه*، *عمرالحکم*، *اصول کافی*، *وسائل الشیعه* و *بحارالانوار* مراجعه و آیات و روایات در رابطه با موضوع تحقیق (مانند چستی عمل، اهمیت عمل، و ویژگی‌های عمل، تصمیم و تصمیم‌گیری) جمع‌آوری شده و سپس برای درک بهتر مفاهیم آیات گردآوری شده و با هدف کشف دیدگاه عمل‌گرایی اسلامی، به تفاسیر معتبر و غالباً به تفسیر *المیزان* و ترجمه فارسی آن و *تفسیر نمونه* و برخی تفاسیر دیگر، و برای فهم معانی احادیث گردآوری شده، به ترجمه‌ها و شرح‌های معتبر مانند *نهج البلاغه* با ترجمه محمد دشتی و *شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید*، و برای احادیث برگرفته شده از *نهج البلاغه*، به شرح *آقاجمال محمد خوانساری* برای احادیث برگرفته شده از *عمرالحکم* مراجعه شده است.

علاوه بر این از منابع فارسی مرتبط با موضوع تحقیق، اعم از کتاب‌ها و مقالاتی که مستقیم در دسترس بوده یا از طریق جست‌وجوی اینترنتی به آنها دسترسی بوده، استفاده شده است. بعد از مراجعه به تفاسیر و شروح و ترجمه‌های یادشده، موضوع تحقیق با توجه به این آیات و روایات، با روش «توصیفی - تحلیلی» تجزیه و تحلیل گردید؛ به این صورت که گزاره‌های اسلامی گردآوری شده از منابع دینی به کمک تفاسیر و ترجمه‌های یادشده حول محور سه مطلب (مبانی عمل‌گرایی اسلامی، عمل‌گرایی اسلامی و شاخصه‌های آن، عمل مطلوب از منظر آموزه‌های اسلامی) مورد مذاقه قرار گرفت و براساس آن، مبانی اعتقادی و ارزشی عمل‌گرایی، شاخصه‌های آن و عمل مطلوب از منظر اسلام استخراج شد و بر مبنای آن، تفاوت دیدگاه عمل‌گرایی اسلامی با عمل‌گرایی غربی بیان گردید. سپس رابطه دیدگاه عمل‌گرایی اسلامی با تصمیم‌گیری مدیریتی بررسی و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری مدیریتی تبیین شد. در نهایت، با توجه به مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از تحقیق، الگوی مفهومی تحقیق طراحی و ارائه گردید.

۲. مبانی نظری

۲-۱. «عملگرایی» در لغت و اصطلاح

«عملگرایی» در لغت، معادل کلمه pragmatism در لاتین است (میرساردو، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸۲) که واژه مزبور مشتق از لفظ یونانی pragma به معنای کار و عمل (prassein) است (همان، به نقل از میریام، ۲۰۰۴، ص ۹۷۴).

۳. عملگرایی در جهان غرب

در اصطلاح، نظریه یا مکتبی را گویند که قائل است: هر گزاره یا آموزه‌ای باید بر پایه نتایجی که از آن به دست می‌آید، داوری گردد و صدق و کذب آن مشخص شود. به عبارت دیگر، هر عمل ابتدا از نظر آثار تحت بررسی قرار می‌گیرد و سپس با توجه به نتایج عمل، درستی و نادرستی آن نمایان می‌گردد (مهدوی آزادبنی و محمودیان، ۱۳۹۵).

این اندیشه را اولین بار چارلز ساندرز پیرس، منطقدان امریکایی (م ۱۹۱۴م) در سال ۱۸۷۸ مطرح نمود و ویلیام جیمز آن را به «دیدگاهی که از آغاز، اشیا، اصول و مقولات را کنار می‌گذارد و به غایت اشیا، دستاورد، نتایج و واقعیات عملی توجه می‌نماید» تعریف کرده است (خاتمی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۹۴-۹۸).

دورکیم از آن به «عملگرایی در مقابل عقل‌گرایی سنتی» تعبیر می‌کند. جان دیویی نیز معتقد است: معنای یک شیء و خوبی و بدی یک عقیده منوط به اثری است که از خود به جا می‌گذارد و براساس آن درباره آنها قضاوت می‌شود. به عقیده پیروان این مکتب، «حقیقت» به عمل انسان بستگی دارد و حقیقت عملی چیزی است که در یک موقعیت خاص دارای بهترین عملکرد باشد و تشخیص این مسئله به عهده محقق است که نتیجه عمل را مشاهده می‌کند (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵ و ۲۷۶).

«عملگرایی» به این معنی که به نوعی عملگرایی دینی در عصر حاضر و برخاسته از مقدمات و اصول تفکر امروزی است، صورت منظم آن در آثار کانت بیان گردیده و صورت دینی‌اش در مذهب پروتستان تحقق یافت شده است. براساس این دیدگاه، کار معرفت این نیست که ماهیت اشیا را به ما بشناساند، بلکه وظیفه آن به دست دادن وسیله تأثیر و تصرف در آنهاست و آنها را با نیازهای ما سازگار و موافق می‌سازد (پازوکی، ۱۳۸۹).

بنابراین، از جمله نکات مورد تأکید این دیدگاه فلسفی امور ذیل است:

۱. همیشه از دیدگاه عامل به امور نگاه می‌شود، نه ناظر؛ یعنی این تلقی وجود دارد که «شناخت» ذاتاً به «عمل» پیوستگی دارد و باید به نحوی با «عمل و فعالیت» مرتبط باشد. از این رو نگرستن و بررسی امور از بیرون (بدون درگیر شدن در عمل) مردود دانسته می‌شود.

۲. در این دیدگاه به «نتایج و پیامدهای عملی» اهمیت داده می‌شود؛ یعنی ملاک «معنادار بودن یا بی‌معنی بودن» مفاهیم و اندیشه‌ها و عقاید و نیز ملاک صدق و کذب قضا یا «عملی بودن» آنهاست و ملاک حقانیت یک

شناخت، «تحقیق‌پذیری و عقلایی بودن بر حسب نتایج عملی» آن است. البته اگر امکان تحقیق وجود نداشته باشد، «مفید بودن» و «رضایت‌بخش بودن» ملاک عمل قرار می‌گیرد.

خلاصه اینکه پیروان این مکتب به نظر و اندیشه که پیامد عملی و ملموس تجربی نداشته باشد، بها نمی‌دهند و معنایی غیر از معنای عملی را نمی‌پذیرند و مباحث نظری محض درباره هستی را بی‌معنا می‌دانند (جیمز، ۱۳۸۶، ص ۳۹-۶۲).

این در حالی است که در ادیان گوناگونی که در آنها از مشرب‌های سلوک دینی سخن به میان آمده، کسانی اهل عمل و کسانی اهل نظر شناخته شده‌اند و این امری عادی و طبیعی بوده است؛ مثلاً در قرون وسطای مسیحی یکی از مباحث اصلی مقایسه نظر و عمل بود که دو نوع زندگی متناسب با آن، «زندگی نظری» و «زندگی عملی» شناخته می‌شد؛ ولی در هیچ‌یک از سنن دینی، این طریقه‌ها (نظر و عمل) چنان از هم جدا نبودند که یک طریق به نفع دیگری بی‌فایده دانسته و طرد یا حذف شود؛ زیرا هیچ‌گاه نظر و معرفت از عمل جدا تصور نمی‌شده و هر دو مطمح‌نظر بوده‌اند. در تاریخ فلسفه غرب نیز مسئله «نظر و عمل» و ارتباط آن دو از همان ابتدا مطرح بوده است. حتی در آغاز دوره امروزی نیز مسئله «نظر و عمل» و ارتباط میان آن دو از مسائل مهم بوده، ولی بعد از این دوره آغازین، آنچنان معنای «نظر» و «عمل» نسبت به ادوار سابق تغییر یافت که دیگر یافتن ارتباط میان آن دو محال می‌نمود، به‌گونه‌ای که «عمل‌گرایی» و اصالت دادن به عمل (activism) و بی‌اعتنایی به نظر و حتی نفی و بیزاری از آن اکنون از مسلمات و مقبولات عصر ما پنداشته می‌شود، به‌گونه‌ای که در تلقی‌های جدید از دین نیز نفوذ کرده و منجر به ظهور جریان‌های خاص دینی (همانند جریان‌های پراگماتیسم) شده است (پازوکی، ۱۳۸۹).

در دین مقدس اسلام که عمل‌گرایی در آن موضوع بحث مقاله حاضر است، نظر و معرفت یا به تعبیر اسلامی و دینی، «ایمان و نظر» از «عمل صالح» جدا تصور نشده است. چنین نبوده که در دین اسلام تنها به عمل یا تنها به نظر توجه شده باشد، بلکه هر دو همزمان مطمح نظر و ملازم همدیگر به شمار آمده‌اند.

در قرآن کریم در آیات متعدد - از جمله کیهف: ۱۰۷ - همواره ایمان و نظر مقدمه عمل صالح در نظر گرفته شده و بر پیوستگی نظر و عمل تأکید گردیده است. بنابراین از دیدگاه قرآن، علم و نظر و اعتقاد بدون عمل بی‌معناست و هیچ ارزشی ندارد. از سوی دیگر، عمل بدون علم و آگاهی نیز بی‌ارزش و زیان‌آور دانسته شده است. در بحث عمل‌گرایی در اسلام، این مطلب بیشتر تبیین خواهد شد.

در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز، اعم از روایاتی که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امامان معصوم علیهم‌السلام درباره مذمت علم بی‌عمل یا ملازمه علم با عمل و زیان عمل بدون بصیرت و معرفت وارد شده، بر همبستگی بین علم / نظر و عمل تأکید دارد. برای مثال، از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده است که «العلم بلا عمل كالشجر بلا ثمر» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۵۰). یا در جای دیگری امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمودند: «الْعِلْمُ بِلَا عَمَلٍ [بِغَيْرِ عَمَلٍ] وَبِالْأَمَلِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۵). این روایات و امثال آنها بیانگر ارتباط وثیق بین علم و عمل از دیدگاه اسلام است.

بنابراین، «عملگرایی» از دیدگاه اسلام، ویژگی‌های عمل مطلوب براساس این دیدگاه و نیز تأثیر دیدگاه عملگرایی اسلامی بر تصمیم‌گیری مدیریتی سه موضوعی است که در اینجا بررسی می‌گردد.

۴. عملگرایی در اسلام

عملگرایی در اسلام بر یک سلسله مبانی اعتقادی و اصول و ارزش‌های دینی استوار است و با توجه به همین مفروضات اعتقادی و دینی، دارای مجموعه شاخصه‌هایی نیز هست که به اختصار و به ترتیب به آنها اشاره می‌گردد:

۴-۱. مبانی اعتقادی عملگرایی اسلامی

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، رفتار انسان‌ها، چه در بعد فردی و چه اجتماعی، معمولاً تحت تأثیر فرهنگ حاکم بر آنها صورت می‌گیرد و از مؤلفه‌های مهم و اساسی فرهنگ حاکم بر جوامع بشری، باورهای است که افراد جوامع بشری به آنها پایبندند. در دین اسلام نیز باورها و ارزش‌هایی مطرح است که معمولاً رفتار و عملکرد پیروان این دین در چارچوب این باورها و ارزش‌ها صورت می‌گیرد. بر همین اساس، برای تبیین گرایش به عمل در اسلام، به مهم‌ترین مفروضات اعتقادی و ارزشی اسلام به‌مثابه مبانی و پیش‌فرض‌های این بحث به اختصار اشاره می‌گردد:

۴-۱-۱. توحید (جهان‌بینی توحید)

یکی از اصول اعتقادی اسلام «توحید» به معنای یگانگی خالق جهان هستی است. هدف از طرح این بحث اثبات وجود خداوند و پرداختن به مباحث مفصل توحیدی نیست، بلکه هدف بیان این نکته است که مسلمانان به جهان‌بینی توحیدی معتقدند.

«جهان‌بینی توحیدی» یعنی جهان‌ماهیت «از اویی» و «به سوی اویی» دارد: «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره: ۱۵۶). براساس این عقیده، موجودات جهان با نظامی هماهنگ به یک سو در حرکتند. آفرینش هیچ موجودی بی‌هوده نیست (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۵ و ۸۶؛ ج ۳، ص ۵۰-۵۳). بر مبنای این جهان‌بینی، انسان با تمام نیازهای متنوع مادی و معنوی که دارد، براساس آیات خلافت (بقره: ۳۰) و کرامت (اسراء: ۷۰) اشرف مخلوقات است. اما در عین حال نیازمند خداوند متعال است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵).

بنابراین، رفتار و عملکرد مسلمان بر مبنای این جهان‌بینی صورت می‌گیرد و با این تصور رفتار می‌کند که خالق او را آفریده است و دوباره به سوی او برمی‌گردد و هدف رفتار و عمل انسان قرب به او و معیار عملکرد، خواست و رضایت اوست و انسان از خود چیزی ندارد.

۴-۱-۲. معاد (آخرت‌گرایی)

«معاد» به معنای بازگشت انسان‌ها به جهان آخرت، یکی دیگر از اصول اعتقادی اسلام است. اعتقاد به معاد و گرایش به آخرت از اعتقادات و ارزش‌هایی است که انسان مسلمان به آن پایبند است. لیکن مراد از «آخرت‌گرایی» در اینجا

نیز پرداختن به بحث اثبات آخرت و بیان ضرورت آن و مباحث دیگر مربوط به آن نیست، بلکه «آخرت‌گرایی» به معنای در نظر گرفتن و هدف قرار دادن حیات اخروی در تمام رفتارها و عملکردها و ابعاد گوناگون زندگی دنیوی است که توجه به آن به معنای تلبس به ارزش‌های دینی و قرآنی است که موجب جلوگیری از گرفتار شدن انسان در هوا و هوس و آرزوهای طولانی و عاملی برای پیش رفتن در مسیر حق است.

همچنین «آخرت‌گرایی» به معنای نفی دنیا نیست، بلکه مطابق آن، رابطه بین دنیا و آخرت، رابطه بین وسیله و هدف و فرع و اصل است. به عبارت دیگر، آخرت‌گرایی نه نفی دنیا، بلکه امکانات دنیوی را در راستای اهداف اخروی قرار دادن است. خداوند می‌فرماید: «وَأَتَّبِعْ فِيمَا أَتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْتَسِ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷)؛ در آنچه خدا به تو داده است، با میل و رغبت دار آخرت را بجوی، و بهر هات را از دنیا فراموش نکن.

ایمان به اعتقادات و ارزش‌های متعالی اسلام و از جمله ایمان به جهان آخرت، انسان را در عمل کردن و قدم برداشتن برای رسیدن به کمال مطلوب مدد می‌رساند؛ زیرا براساس بیان قرآن، زندگی انسان دو بخش دارد: بخش دنیایی که کوتاه‌مدت و ناچیز و بی‌ارزش و بازیچه است، و بخش اخروی که زندگی اصلی و واقعی و بلندمدت است: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِن الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴) و گویا هر دو سرای دو فصل جداگانه را در زندگی آدمی شکل می‌دهند که در یکی باید کشت: «الدنيا مزرعة الاخرة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۲۵) و در دیگری باید محصول آن را برداشت: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ» (شوری: ۲۰).

امیرمؤمنان علیؑ در تفسیر این آیه، «حَرْثَ الْآخِرَةِ» را به «عمل صالح» تفسیر نموده، می‌فرماید: «الْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۴، خطبه ۲۳)؛ عمل صالح کشت آخرت است. او هر چه را کاشته، از خار و گل، همان را برداشت خواهد نمود.

پس آخرت‌گرایی می‌تواند تأثیری مستقیم بر رفتار و عملکرد انسان داشته باشد و از منظر آموزه‌های اسلامی، عملکرد انسان از جمله بر مبنای این اصل مهم اعتقادی انجام می‌پذیرد.

۳-۱-۴. اصل عدم تقدم بر خدا و رسول

این اصل همان گونه که به توحید اشاره دارد، به اصل اعتقادی «نبوت» به مثابه مبنای دیگر در عملکرد انسان مسلمان اشاره می‌کند و بیانگر آن است که مبنای عملکرد انسان در تمام فعالیت‌ها، ارزش‌های دینی است. منظور از «مبنا قرار دادن ارزش‌های دینی» در نظر گرفتن فرامین الهی است که توسط قرآن و سنت معصومانؑ بیان گردیده و در تمام حوزه‌ها، اعم از حوزه عمل و نظر جاری است (توبه: ۲۴).

در آموزه‌های اسلامی در این زمینه، تا حدی بر اطاعت از خدا و رسول به عنوان یک ارزش دینی تأکید شده که برای مؤمنان هیچ‌گونه اختیاری را در برابر امر آنها نمی‌پذیرد (احزاب: ۳۶). در سوره «حجرات» که ضوابط و معیارهای حاکم بر روابط اجتماعی را - به‌ویژه - مشخص می‌کند، این موضوع را به مثابه اولین اصل، به صراحت مطرح می‌نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

(حجرات: ۱)؛ یعنی در جایی که خدا حکم دارد و پیامبرش نظر دارد، آنجایی که در عمل قضاوتی می‌کنند و دستوری صادر می‌نمایند، حکمشان مقدم بر رأی و نظر شخصی افراد است. مقتضای حاکمیت این اصل بر زندگی انسان آن است که ارزش‌های دینی و ثابت شده در اسلام باید در عمل مدنظر قرار گیرد و عملکردها باید بر مبنای این ارزش‌ها باشد.

۴-۲. شاخصه‌های عملگرایی در اسلام

با توجه به سه مبنای اعتقادی - ارزشی مذکور، از منابع اسلامی به خوبی استفاده می‌شود که اسلام همواره پیروان خود را به عمل دعوت نموده، به آن ترغیب می‌کند و برای آن اهمیت زیادی قائل است، به گونه‌ای که وقتی در جهت هدایت و سعادت بشر سخن می‌گوید، تمام هستی و نیستی، سعادت و شقاوت، خوبی و بدی انسان و در کل، سرنوشت او را در گرو عمل او می‌داند. این بیان مبتنی بر همان سه اصل اعتقادی و ارزشی است که در ابتدا به آن اشاره شد و این نشان‌دهنده آن است که اسلام دینی عملگراست و مجدانه به عمل گرایش دارد. اهمیت گرایش به عمل از نظر اسلام زمانی برای انسان روشن می‌شود که به نکات ذیل - که به‌مثابه شاخصه‌های عملگرایی اسلامی از آیات شریفه قرآن و روایات حضرات معصوم علیهم‌السلام استفاده می‌شود - به‌خوبی توجه نماید. این نکات بیانگر آن است که آموزه‌های اسلامی به شکل‌های گوناگون انسان را به عمل وادار می‌سازد:

۴-۲-۱. اقتضای طبیعت انسانی

از نظر قرآن، عمل و تلاش اقتضای طبیعت و آفرینش انسان است: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيه» (انشقاق: ۶).

۴-۲-۲. تعیین‌کننده سرنوشت انسان

عمل تعیین‌کننده سرنوشت انسان است. گروهی از آیات می‌گویند: انسان با تلاش و عمل، سرنوشت خود را رقم می‌زند و برای رسیدن به هر نتیجه‌ای نیاز به تلاش دارد: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يَرَىٰ» (نجم: ۳۹ و ۴۰). ضرورت عمل نه‌تنها برای رسیدن به نتایج دنیوی، بلکه برای رسیدن به نتایج اخروی نیز مورد تأکید واقع شده است: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (اسراء: ۱۹).

۴-۲-۳. لزوم تلاش در راه خدا

گروهی از آیات بر لزوم تلاش جدی در راه خدا با مال و جان تأکید دارند، تا حدی که مؤمن واقعی را کسی دانسته‌اند که بدون تردید و تخلف در صورت نیاز، به جهاد در راه خدا با مال و جان بپردازد: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات: ۱۵). از این آیه و آیات مشابه به‌دست می‌آید که لازمه ایمان، تلاش و عمل در هنگام ضرورت و نیاز است، و این اهمیت عمل را می‌رساند.

۴-۲-۴. رابطه ایمان و عمل صالح

در گروهی از آیات، رابطه ایمان و عمل صالح تبیین گردیده و نتیجه‌بخش بودن ایمان مشروط به عمل دانسته شده و نتیجه‌بخش بودن عمل مشروط به ایمان شمرده شده است. این مطلب نشانگر اهمیت عمل است. در قرآن در بیش از ۶۰ مورد ایمان همراه با عمل صالح ذکر شده است که بیان‌کننده رابطه بین این دو می‌باشد.

برای نمونه در آیه‌ای می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷). در این آیه «ایمان» برای پاکیزگی ذات انسان و «عمل صالح» برای نتیجه‌بخش شدن آن و تکامل این پاکیزگی ذات ضروری دانسته شده است. پس ایمان زمینه‌ساز عمل صالح است و عمل صالح تکامل‌دهنده و حافظ ایمان قرار گرفته است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ذیل آیه ۹۷ نحل). مفاد این گروه از آیات به اهمیت عمل اشاره دارد که بدون آن چیزی دستگیر انسان نمی‌شود.

۴-۲-۵. ترغیب به سرعت و سبقت در عمل خیر

گروهی از آیات به سرعت و سبقت در کارهای خیر ترغیب می‌کنند. ترغیب به سرعت و سبقت، ترغیب به عمل است؛ زیرا سرعت و سبقت به معنای انجام عمل در کمترین زمان ممکن بر مبنای منطق و حکمت است؛ می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» (بقره: ۱۴۸)؛ «... وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۱۱۴). این گروه از آیات باعث ترغیب انسان به انجام عمل نیکو می‌شوند.

امیرمؤمنان علیؑ نیز می‌فرماید: «بهترین بندگان خدا کسانی هستند که... حق را می‌شناسند و به آن عمل می‌کنند. کار خیری نیست مگر آنکه به آن قیام می‌کنند، و در هیچ‌جا گمان خیری نبرده‌اند، جز آنکه به سوی آن می‌شتابند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۴، خطبه ۸۷). این کلام امامؑ نیز ترغیب به عمل و بیانگر اهمیت آن است.

۴-۲-۶. تأکید بر گفتار همراه با عمل

گروهی از آیات بر این مطلب تأکید دارند که گفتار باید همراه با عمل باشد و گفتار بی عمل هیچ ارزشی ندارد و نباید چنین گفتاری صورت بگیرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ» (صف: ۲). نه تنها ارزش ندارد، بلکه نزد خداوند مبعوض است: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ» (صف: ۳) و این نشان‌دهنده اهمیت عمل در اسلام است.

۴-۲-۷. همراهی عمل با عامل

گروهی از آیات به حدی بر اهمیت عمل تأکید دارند که آن را ملازم با عامل می‌دانند: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء: ۷)، به گونه‌ای که برخی متن عمل خود را در روز قیامت علاوه بر جزای عمل می‌بینند و این دیدن، خود نوعی جزا برای آنهاست: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ أَوْ أَنَّ يَبُيَّهَا وَ يَبِيئُهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (آل عمران: ۳۰)، بلکه بالاتر از آن، سرنوشت آینده او را در گرو عمل او می‌دانند: «كُلُّ نَفْسٍ

بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً» (مدثر: ۳۸). چنین تصویری نسبت به عمل، برای انسان مسئولیت‌آور است تا در تمام کارها حساب‌شده عمل کند.

۸-۲-۴. ترغیب به تلاش برای کسب روزی

در قرآن به صورت‌های گوناگون به تلاش برای کسب روزی و آبادانی زمین ترغیب شده است که خود بر اهمیت عمل و کار فیزیکی تأکید دارد. در گروهی از آیات از مواهب دنیا به «فضل خداوند» تعبیر شده و کوشش برای دستیابی به آنها غایت نعمت‌های خداوند به شمار آمده است: «لَتَبْتَغُوا فُضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ» (اسراء: ۱۲) یا به آن امر شده است: «... وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...» (جمعه: ۱۰).

سیره انبیاء و اولیاء نیز نشان می‌دهد که همگی برای کسب روزی به تلاش به‌ویژه به کار با دست می‌پرداختند. زره‌سازی حضرت داود (انبیاء: ۸۰)، چوپانی حضرت موسی ﷺ برای حضرت شعیب ﷺ (قصص: ۲۸-۲۲) نمونه‌هایی از این تلاش‌هاست؛ چنان‌که در حدیثی وارد شده که تلاش برای فراهم کردن مخارج عیال، مثل جهاد در راه خداست: «لکاد لیعالہ کالمجاهد فی سبیل اللہ» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۶۷). امام کاظم ﷺ نیز در پاسخ به علی بن حمزه فرمودند: «یاعلی، قد عمل بالید من هو خیر منی...» (همان، ج ۱۷، ص ۳۹).

به‌رحال از مجموع آیات و روایات واردشده در اهمیت عمل، به‌خوبی روشن می‌شود که از دیدگاه اسلام، چه در امور اخروی و چه امور دنیوی، کار لازم است و علم و آگاهی بدون عمل بر مبنای آن بی‌اثر است و ایمان بی عمل اصلاً محقق نمی‌گردد. از این رو اسلام فرهنگی را می‌پذیرد که در آن گرایش به عمل زنده باشد. این موضوع در کلام امام علی ﷺ به‌خوبی روشن است که می‌فرماید: «الیوم عمل و لا حساب و غداً حساب و لا عمل» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۱۸).

اما اینکه «عمل» از دیدگاه اسلام چیست؟ آیا همان‌گونه که در ظاهر به ذهن می‌رسد - و در بالا هم اشاره شد - «عمل» در مقابل «نظر» است که اسلام به هر دو اهمیت داده است؛ مثلاً خداشناسی که از مباحث حکمت نظری است، در دیدگاه اسلام از مصادیق عمل به حساب نمی‌آید، ولی در عین حال، اسلام این نوع شناخت را - برخلاف دیدگاه عملگرایی غربی - نیز می‌پذیرد؛ یا نه، با قدری دقت بیشتر، به یک گستره معنایی برای «عمل» از دیدگاه اسلام خواهیم رسید؟ برای پاسخ به این سؤال، «چیستی» عمل از دیدگاه اسلام بیشتر بررسی می‌گردد:

۵. گستره معنایی عمل

همان‌گونه که در مباحث فلسفی اشاره شده، از دیرباز در یونان قدیم و پس از آن در دوره‌های اسلامی، حکمت را به «حکمت نظری» و «حکمت عملی» تقسیم کرده‌اند که هر یک از این دو شاخه‌های متعدد و حوزه‌های متفاوتی دارد. از جمله شاخه‌های مهم حکمت نظری که از هست‌ها بحث می‌کند، طبیعیات، ریاضیات، فلسفه اولی و حکمت الهی است.

حکمت عملی نیز که از افعال اختیاری و باید‌ها و نباید‌های رفتاری (ما یبغی أن یعمل به و ما لایبغی أن یعمل به) بحث می‌کند، از حوزه‌هایی چند برخوردار است که حوزه‌های اصلی آن عبارتند از: اخلاق، تدبیر منزل، سیاست مدن. «عمل» که هر نوع رفتار و کردار آدمی را شامل می‌شود، عام‌تر از این سه حوزه است - که هر کدام مصداق عمل است - و بلکه فراتر از حکمت نظری نیز هست؛ زیرا علاوه بر اینکه شناخت آفریدگار جهان و شناخت اشیاء و عالم آفرینش و تفکر در آن موضوع اصلی حکمت نظری است، از اعمال صالح نیز به شمار می‌آید؛ زیرا براساس آموزه‌های اسلامی چنین شناخت و تفکری عبادت بوده و عبادت، عمل و بلکه از اعمال صالح است.

از برخی آیات شریفه قرآن کریم نیز برمی‌آید که «عمل» یک مفهوم عام دارد که شامل اعمال جوارحی و نیز امور جوانحی می‌شود که با روح و قلب انسان سروکار دارد: «... و لکن یوَأخذکم بما کسبت قلوبکم...» (بقره: ۲۲۵).

این واقعیت در احادیث معصومان علیهم‌السلام واضح‌تر بیان شده است: «أفضل العبادۃ العلم بالله» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۴۷). یا امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «انما العبادۃ کثرة التفکر فی امر الله» (همان، ص ۳۳۵) و گاه تفکر در عظمت آسمان و زمین و واقعیت‌های لاهوت و ناسوت را عبادت می‌دانند. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز فرمودند: «التَّفکُّرُ فی مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عِبَادَةٌ الْمُخْلِصِينَ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۴۹). بنابراین عبادت عمل است.

این را نیز باید دانست که نه تنها عمل در حوزه‌های حکمت عملی و نظری ظهور و بروز دارد، بلکه نیت ابراز نشده آدمی و حتی ایمان و کفر او نیز از مصداق عمل به شمار می‌آید. در این باره که نیت ابراز نشده انسان نوعی عمل است، امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «... ثُمَّ یَقُولُ اللَّهُ لِلْمَلَائِكَةِ هَلُمُّوا الصُّحُفَ الَّتِی فِیْهَا الْأَعْمَالُ الَّتِی لَمْ یَعْمَلُوهَا، قَالَ: فِیْقَرُوهَا ثُمَّ یَقُولُونَ وَ عِزَّتْکَ إِنَّکَ لَتَعْلَمُ أَنَا لَمْ نَعْمَلْ مِنْهَا شَیْئًا، فِیَقُولُ: صَدَقْتُمْ نَوَّیْتُمُوهَا فَکَتَبْنَاهَا لَکُمْ ثُمَّ یَثَابُونَ عَلَیْهَا» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۶). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز نه تنها نیت را عمل می‌دانند، بلکه آن را بارزتر از عمل می‌شمارند و می‌فرمایند: «أفضل الاعمال النیة الصادقه» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۶۳، ص ۲۳۲). امام صادق علیه‌السلام نیز در این باره می‌فرمایند: بدان که نیت نیز عمل است: «ألا، و ان الینة هی العمل» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۶؛ وطن‌دوست، ۱۳۹۱، ص ۳۳-۳۵).

بنابراین، عمل از دیدگاه اسلام، معنایی گسترده‌تر از آن چیزی دارد که معروف و معمول است؛ یعنی شامل رفتار، گفتار، افکار و نیت ابرازشده و ابرازناشده می‌شود.

با توجه به این بیان، عمل از دیدگاه عملگرایان اسلامی با عمل از دیدگاه عملگرایان غربی تفاوت مفهومی دارد؛ زیرا عملگرایان غربی عمل را منحصر به عمل حسی و تجربی می‌دانند، در حالی که عمل از دیدگاه اسلام، اعم از عمل حسی و خارجی و نظر و فکر و اندیشه و حتی نیت است.

با روشن شدن اهمیت عمل از دیدگاه اسلام و تأکید بر گرایش به عمل در این دیدگاه، باید دید چه نوع عملی مطلوب اسلام است؟ آیا هر عملی به صرف نیک بودن و داشتن حسن فعلی، مطلوب است؟ یا شرایط دیگری هم باید در آن وجود داشته باشد؟

۶. عمل مطلوب در اسلام

در مکاتب اخلاقی غرب براساس مبانی که دارند، معمولاً معیار قضاوت درباره ارزش داشتن یا نداشتن یک رفتار و عمل، نفس عمل و نتایج مادی مترتب بر آن است، بی‌آنکه انتساب آن به نیت عامل و فاعل مطرح باشد. به عبارت دیگر از دیدگاه این مکاتب، حُسن فعلی در ارزشمندی عمل کفایت می‌کند و نیازی به حُسن فاعلی نیست. این موضوع در مکتب «اصالت عمل» به‌خوبی آشکار است؛ زیرا در این مکتب - همان‌گونه که اشاره شد - ارزش یک رفتار به نتایج و منافع آن است و خوب بودن یک رفتار بستگی به تحقیق‌پذیر بودن آن دارد. از این‌رو انگیزه‌ها و آرمان‌های فرد در ارزش رفتار لحاظ نمی‌گردد.

اما در اسلام براساس پیش‌فرض‌ها و مبانی - که در ابتدای بحث ذکر شد - ارزش یک رفتار و عمل تنها به نفس عمل و نتایج مادی مترتب بر آن نیست، بلکه علاوه بر آن، به انگیزه و نیت فاعل نیز بستگی دارد. از این‌رو عملی ارزشمند است که علاوه بر حسن فعلی، حسن فاعلی نیز داشته باشد و صدور فعل از فاعل با انگیزه الهی و معنوی صورت گیرد. بر این اساس، عمل مطلوب از نظر اسلام، بر سه پایه اساسی ذیل استوار است:

۱-۶. ایمان

ایمان که زمینه‌ساز نیت الهی است، در حقیقت، شرط اساسی در ارزشمند بودن عمل است و زمینه کلی را برای تحقق نیت الهی در نفس و انجام عمل با آن ایجاد می‌کند، زیرا اگر ایمان به خدا نباشد نمی‌توان عمل را با نیت الهی و در جهت کمال انسانی که همان قرب الهی است، انجام داد. از این‌رو اعمال کفار به سبب اینکه برای اهداف پست مادی انجام شده، نه به نیت الهی و رسیدن به کمال واقعی، بی‌ارزش دانسته شده است. به همین علت، این اعمال هرگز چهره ملکوتی به خود نمی‌گیرد و نه تنها تأثیری در کمال انسان ندارد، بلکه موجب گمراهی او می‌شود؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، همچون خاکستری است در برابر تندباد در یک روز طوفانی! آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده‌اند، به‌دست آورند، و این همان گمراهی دور و دراز است!» (ابراهیم: ۱۸).

۲-۶. نیت الهی

همان‌گونه که بیان شد، در نظام ارزشی اسلام، ارزش یک رفتار به حسن فعلی و حسن فاعلی - هر دو - است که حسن فعلی به نفس عمل و نتایج آن مربوط می‌شود و حسن فاعلی به اعتقاد فاعل و کیفیت صدور عمل از فاعل مربوط است. از این‌رو در اسلام، «نیت» جایگاه خاصی دارد و چنین نیست که تنها ارزش مقدمی داشته و ذهنیت محض باشد، بلکه در ارزش عمل، اصالت با نیت است.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَىٰ» (ابن‌حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۴). در قرآن بر توقف ارزش عمل بر نیت الهی و معنوی به صورت‌های گوناگون تأکید شده است؛ از جمله این آیه که می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲). در روایتی از امام صادق ؑ

«احسن عملاً» در آیه چنین تفسیر شده است: «أَيْسَرَ يَعْنِي أَكْثَرَ عَمَلًا وَلَكِنْ أَصَوَّبَكُمْ عَمَلًا وَ إِنَّمَا الْإِصَابَةُ خَشِيَّةٌ اللَّهُ وَ النَّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَ الْحَسَنَةُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶).

از این کلام به دست می‌آید که صواب عمل به سه چیز بستگی دارد: تقوای نفس که از خشیت الهی حاصل می‌شود و زمینه‌ساز تحقق نیت صادق است؛ و نیت صادق که عبارت است از: انجام عمل با اهداف الهی که مناسب با کمال سیر وجودی انسان است؛ و حسنه که به معنای موافقت عمل با امر خداست و بر لزوم توافق عمل با قرآن و سنت دلالت دارد.

۳-۶. مطابقت با دین

با توجه به اصل «عدم تقدم بر خدا و رسول در عملکردها»، شرط در ارزشمند بودن عمل، مطابقت آن با قرآن و سنت معصوم است؛ چنان که امام صادق علیه السلام در تفسیر «احسن عملاً» فرمودند: سومین شرط درست بودن عمل، حسنه بودن آن است که مراد از «حسنة» موافقت عمل با امر خدا و رسول است. از این رو براساس روایات متعدد که در این زمینه وارد شده، تنها نیت کافی نیست، بلکه علاوه بر آن، توافق با سنت معصوم نیز لازم است. از جمله امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا قول الا بعمل و لا قول و لا عمل الا بالنية و لا قول و لا عمل الا بأصابة السنة» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷۵).

از آنچه گذشت روشن شد که در اسلام مراد از «گرایش به عمل» گرایش به عمل صالح است و عمل صالح عملی است که بر مبنای اعتقادات و ارزش‌های دینی، مطابق با دین و همراه با نیت خالصانه الهی انجام شده باشد. همین نقطه تمایز میان فرهنگ عملگرایی غرب و عملگرایی است که اسلام به آن توصیه می‌کند. چنین عملی با این ویژگی هاست که شخصیت انسان را شکل می‌دهد و موجب کمال واقعی او می‌شود. و انسان با چنین عملی است که سرنوشت آینده خود را تعیین می‌نماید.

همچنین از مطالب گذشته به دست می‌آید که دیدگاه عملگرایی اسلامی همان گونه که با سرنوشت انسان رابطه دارد، با فرایندهای مدیریتی (همچون برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری) نیز رابطه دارد؛ زیرا هر یک این فرایندها به نوعی عمل است.

تبیین رابطه عملگرایی اسلامی با فرایندهای مدیریتی نیازمند مباحث مفصل و جداگانه‌ای است که این تحقیق ظرفیت پرداختن به همه این مباحث را ندارد. از این رو در اینجا فقط به تبیین رابطه عملگرایی اسلامی با «تصمیم‌گیری» به مثابه یکی از فرایندهای مهم مدیریتی به اختصار اشاره می‌گردد:

۷. رابطه دیدگاه عملگرایی در اسلام با تصمیم‌گیری مدیریتی

بررسی رابطه دیدگاه عملگرایی اسلامی با تصمیم‌گیری، نیازمند بیان چند نکته است؛

الف) «تصمیم‌گیری» در لغت به معنای «اراده کردن و قصد نمودن» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۵، ص ۷۳۲) است و در اصطلاح به «فراگردی که از طریق آن، راه حل مسئله معینی از میان راه‌های مختلف انتخاب می‌گردد» (رضائیان، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸) یا «فرایند تعیین و انتخاب گزینه‌ها بر مبنای اعتقادات، ارزش‌ها، نگرش‌ها، شخصیت، دانش و ترجیحات فردی یا سازمانی و شرایط محیطی به منظور کاهش عدم اطمینان و رسیدن به وضع مورد نظر» (ویسی، ۱۳۸۴، ص ۲۹) گفته شده است.

«تصمیم‌گیری» به این معنی یکی از فرایندهای مهم مدیریتی بوده و در دانش مدیریت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حتی برخی از صاحب‌نظران دانش مدیریت آن را مترادف با «مدیریت» دانسته‌اند (رضائیان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴) و سایر وظایف مدیریت را با توجه به این اصل مدنظر قرار داده‌اند؛ بدین معنی که اگر مدیری در طراحی و اجرای طرحی به دنبال برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری، پایش و نظارت، و بودجه‌بندی باشد، باید به انتخاب و تصمیم‌گیری اقدام نماید (ویسی، ۱۳۸۴، ص ۲۹).

برای مثال، «برنامه‌ریزی» یکی از مهم‌ترین وظایف مدیریتی است. در برنامه‌ریزی، مدیران باید به تعیین اهداف و انتخاب شیوه، یا ابزار دستیابی به آن بپردازند و این یعنی در هر برنامه‌ریزی - دست‌کم - دو تصمیم باید اتخاذ شود: تصمیم‌گیری درخصوص «تعیین هدف» و تصمیم‌گیری درخصوص «انتخاب روش». بدین‌روی تصمیم‌گیری مدنظر دانشمندان مدیریت قرار گرفته است (منطقی، ۱۳۹۵، ص ۱۰). به هر حال، اقدام به هر کاری و به‌ویژه اقدام به هر یک از وظایف مدیریتی مستلزم تصمیم‌گیری است.

به‌طور کلی، «تصمیم‌گیری» یک فرایند ذهنی است که تمام افراد بشر در سراسر زندگی خود با آن سروکار دارند. بنابراین، می‌توان گفت: تمام فعالیت‌ها و اقداماتی که در همه زمینه‌ها توسط افراد بشر، چه در بعد زندگی فردی و چه در بعد زندگی اجتماعی و سازمانی انجام می‌شود، حاصل فرایند تصمیم‌گیری است (ویسی، ۱۳۸۴، ص ۳۳).

ب) دانشمندان، معتقدند: همه تصمیم‌گیرندگان و متفکران به نوعی تحت تأثیر جهان‌بینی خود هستند و از دریچه دید خود، حوادث جهان را می‌بینند و تحلیل می‌کنند و لاجرم براساس همان تحلیل‌های خاص خود نیز تصمیم‌گیری می‌کنند. از این‌رو جهان‌بینی تصمیم‌گیرندگان با توجه به مکاتب آنها متفاوت است و در اثر آن، تصمیم‌هایشان نیز بر مبناهای متفاوتی گرفته می‌شود.

علاوه بر جهان‌بینی، اهداف نیز بر تصمیم‌ها تأثیرگذار است. برای مثال، تغییر هدف تصمیم از سود بیشتر به رشد، در نتیجه آموزه‌های اسلامی، سبب دگرگون شدن تصمیم‌های سازمانی می‌شود (رازینی و عزیز، ۱۳۹۴).

ج) تصمیم‌گیری نوعی عمل است. بنابراین، همان‌گونه که یک فرد در رفتار و عملکردهای عادی خود، تحت تأثیر برخی مبانی اعتقادی و ارزشی خاصی عمل می‌کند، مدیران تصمیم‌گیرنده در سازمان نیز تحت تأثیر برخی باورها و ارزش‌ها و در مجموع، تحت تأثیر فرهنگ حاکم بر سازمان و تصمیم‌گیرندگان در آن، تصمیم‌گیری و «عمل» خواهند کرد.

به عبارت دیگر، «تصمیم‌گیری» نوعی رفتار تلقی می‌شود که منشأ آن ارزش‌ها و باورهای افراد تصمیم‌گیرنده است؛ بدین‌صورت که ارزش‌ها و باورها موجب ایجاد نگرش‌های خاص به مسائل و موقعیت‌ها در افراد شده، آنها براساس همین باورها و نگرش‌ها به رفتارهایی دست می‌زنند. بنابراین، باورها و ارزش‌های فردی مدیران که از آموزه‌های اسلامی - مذهبی نشئت گرفته، بر رفتارهای تصمیم‌گیرانه آنها اثر می‌گذارد.

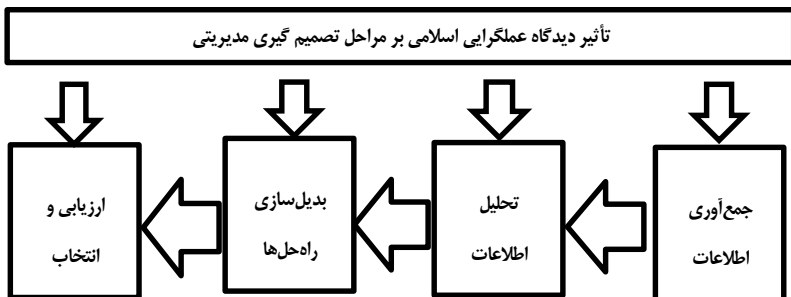
عمل دانستن «تصمیم‌گیری» بدان علت است که در بحث «گستره معنایی عمل» کاملاً روشن شد که «عمل» از دیدگاه اسلام معنای عام و گسترده‌ای دارد و شامل اعمال جوارحی، جوانحی، افکار و نیات نیز می‌شود؛ و «نیت» همان «عزم» است که در لغت عربی، معادل «تصمیم» گرفته شده است (رازینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵)؛ چنان‌که در منابع دینی نیز «عزم» مترادف واژه «تصمیم» به کار رفته است.

مثلاً، در قرآن کریم قریب ۹ بار کلمه «عزم» به کار رفته که به معنای «تصمیم و اراده» است؛ از جمله: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵۹). امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در **نهج البلاغه** پیامبران را به قوت در تصمیم‌گیری آنها توصیف می‌کند: «لکن الله - سبحانه - جعل رُسُلَهُ اولى قُوَّةِ فِى عَزَائِمِهِمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۴، خطبه ۱۹۲).

بنابراین، همان‌گونه که عمل مطلوب از نظر اسلام، عملی است که اولاً، مبتنی بر مبانی و پیش‌فرض‌هایی همچون جهان‌بینی توحیدی، آخرت‌گرایی و ارزش‌های ثابت دینی است، و ثانیاً، بر سه رکن اساسی (ایمان، نیت الهی، موافقت با امر خدا و رسول) استوار است، تصمیم‌گیری مطلوب از نظر اسلام و مدیریت اسلامی نیز تصمیمی است که بر ارکان سه‌گانه مزبور، به‌ویژه «نیت الهی» استوار بوده و مبتنی بر مبانی اعتقادی و ارزشی دینی باشد.

بنابراین، تمام مراحل تصمیم‌گیری (اعم از مراحل تحلیل مسئله، بدیل‌سازی و ارزیابی) باید با نیت الهی و قرب به او و با در نظر داشت نتایج کوتاه‌مدت دنیوی و نتایج بلندمدت اخروی انجام شود، خواه این تصمیم‌گیری عقلانی باشد یا شهودی و یا ترکیبی از هر دو؛ مثلاً، «در یک مدل ساده‌شده تصمیم‌گیری که دربرگیرنده چهار مرحله جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات، بدیل‌سازی راه‌حل‌ها و ارزش‌گذاری، و انتخاب بدیل‌ها» (منطقی، ۱۳۹۵، ص ۷۱) می‌شود، باید تمام مبانی، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های دیدگاه عملگرایی اسلامی و همه پایه‌های اساسی عمل مطلوب از دیدگاه اسلام، در تمام این مراحل تصمیم‌گیری در نظر گرفته شود تا این تصمیم‌گیری از دیدگاه اسلام مطلوب به شمار آید.

نمودار ۱: تأثیر دیدگاه عملگرایی اسلامی بر مراحل تصمیم‌گیری مدیریتی



بنابراین، تصمیم‌گیری مطلوب از نظر اسلام و مدیریت اسلامی آن است که هم حسن فعلی داشته باشد، یعنی مسئله مدنظر به صورت درست درک و شناسایی و بر معیار درست تحلیل شده باشد و در ارزیابی بدیل‌ها و انتخاب یک گزینه از میان آنها دقت لازم صورت گرفته و نسبت به نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت تصمیم توجه کافی مبذول شده باشد و هم حسن فاعلی داشته باشد؛ یعنی در تمام این مراحل، هدف غایی که قرب الی‌الله است، مدنظر باشد و به نیت الهی و با نظر داشت جهان آخرت براساس نوع رابطه‌ای که بر مبنای دیدگاه اسلامی بین دنیا و آخرت برقرار است، تصمیم‌گیری صورت گیرد. اگر اهداف مادی و نتایج کوتاه‌مدت دنیوی در نظر باشد، باید در طول اهداف بلندمدت اخروی مدنظر قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

اسلام دینی است که به نظر و عمل در کنار هم اهمیت می‌دهد و علم بدون عمل و عمل بدون علم را نمی‌پذیرد. بر همین اساس، با مراجعه به منابع معتبر دینی، اعم از قرآن و منابع حدیثی و بررسی آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد، به‌خوبی روشن می‌شود که اسلام گرایش جدی به عمل دارد و به آن اهمیت زیادی می‌دهد و پیروان خود را به عمل نمودن به دستورات دین سفارش می‌کند، به گونه‌ای که تصریح می‌نماید: سرنوشت هر فرد از انسان در گرو عملکرد اوست.

با توجه به اصول اعتقادی و ارزشی (مانند جهان‌بینی توحیدی، آخرت‌گرایی و ارزش‌های دینی) که مسلمانان به آنها معتقدند، عملی مطلوب و مقبول اسلام است که با نیت الهی و با در نظر داشت جهان آخرت و بر مبنای ارزش‌های الهی انجام شود. حال این عمل، چه فردی باشد که یک مسلمان انجام می‌دهد و چه عمل اجتماعی و سازمانی باشد که مدیران اجتماعی و سازمانی انجام می‌دهند. با توجه به گستره معنایی که برای عمل ذکر شد، تمام فرایندهای مدیریتی از جمله «تصمیم‌گیری» نوعی عمل است.

بنابراین، یک تصمیم‌گیری مدیریتی که در سازمان اسلامی انجام می‌شود، در صورتی یک تصمیم‌گیری مطلوب از نظر اسلام است که در تمام مراحل آن براساس پیش‌فرض‌های اعتقادی و بر پایه‌های ایمان، نیت الهی و مطابق با دین و ارزش‌های دینی و به‌ویژه با توجه به جهان آخرت انجام شود. در غیر این صورت، این تصمیم‌گیری عملی مطلوب از نظر اسلام به حساب نمی‌آید.

نمودار ۲: الگوی مفهومی تحقیق

تأثیر دیدگاه عملگرایی در اسلام بر تصمیم‌گیری مدیریتی در حوزه‌های:

۱. جمع‌آوری اطلاعات؛
۲. تحلیل اطلاعات؛
۳. بدیل‌سازی راه‌حل‌ها؛
۴. ارزش‌گذاری و انتخاب بدیل.

عمل مطلوب از نظر اسلام
پایه‌های عمل مطلوب از نظر اسلام

۱. ایمان، که زمینه‌ساز نیت الهی است.
۲. نیت الهی؛
۳. مطابقت با قرآن و سنت.

عملگرایی در اسلام
(اهمیت عمل در اسلام)

برخی نماگرهای اهمیت عمل از نظر اسلام:

۱. عمل و تلاش؛ مقتضای طبیعت و آفرینش انسان (انشقاق: ۶)؛
۲. عمل؛ تعیین‌کننده سرنوشت انسان (نجم: ۳۹ و ۴۰)؛
۳. لزوم تلاش در راه خدا با مال و جان (حجرات: ۱۵)؛
۴. رابطه ایمان و عمل صالح (مشروط بودن ایمان به عمل به یکدیگر) (نحل: ۹۷)؛
۵. ترغیب به سرعت و سبقت در عمل خیر (بقره: ۱۴۸؛ آل عمران: ۱۱۴)؛
۶. تأکید بر گفتار همراه با عمل (صف: ۲ و ۳)؛
۷. ارتباط و همراهی عمل با عامل (آل عمران: ۳۰؛ مدثر: ۳۸)؛
۸. ترغیب به تلاش برای کسب روزی (اسراء: ۱۲؛ جمعه: ۱۰)؛
۹. فراهم کردن مخارج عیال؛ همانند جهاد در راه خدا (حرا، ج ۱، ص ۳۹)؛
۱۰. امروز عمل است بدون حساب و فردا حساب است بدون عمل (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۳۱۸).

مبانی اعتقادی و ارزشی (پیش‌فرض‌ها):

۱. جهان‌بینی الهی،
۲. آخرت‌گرایی؛
۳. اصل عدم تقدم بر خدا و رسول

منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه، ۱۳۸۴، ترجمه محمد دشتی، قم، آسیانا.

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبته‌الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج‌البلاغه، تصحیح محمداسماعیل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، دعائم الإسلام، تصحیح آصف فیضی، چ دوم، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- احمدزاده، سیدمصطفی، ۱۳۹۶، چستی عمل صالح در قرآن: روش معنا شناختی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اخوت، هانیه، ۱۳۹۳، «بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم»، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال پنجم، ش ۱، ص ۲۳-۳۴.
- اکبری‌زاده، طیبه، ۱۳۹۵، معناشناسی عمل صالح و حوزه‌های معنایی مرتبط با آن در قرآن، تهران، دانشگاه تهران.
- برهانی، سلمانعلی، ۱۳۸۸، رابطه علم و عمل در تربیت اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، جامعه‌المصطفی‌العالمیه.
- پازوکی، شهرام، ۱۳۸۹، «عمل‌گرایی مدرن در دین»، جاویدان خرد، سال هفتم، ش ۳ (دوره جدید)، ص ۱۹۵.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تصحیح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۴، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- جعفری، ولایت حسین، ۱۳۸۵، حقیقت ایمان و عمل صالح و رابطه آن با یکدیگر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، جامعه‌المصطفی‌العالمیه.
- جیمز، ویلیام، ۱۳۸۶، پراگماتیسم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، علمی و فرهنگی.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۲ق، وسایل‌الشیعه، تصحیح و تعلیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، چ پنجم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حمزه‌پور، مهدی و مهدی عزیزی، ۱۳۹۷، «گام‌های کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی»، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، سال چهارم، ش ۲، (۱۱)، ص ۴۷-۷۷.
- خاتمی، محمود، ۱۳۸۷، ملاحظاتی در باب مدرنیته و پست مدرنیسم، رهیافت‌های فکری فلسفی معاصر در غرب، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خوانساری، آقاجمال، ۱۳۶۶، شرح غررالحکم و دررالکلم، تصحیح جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، چ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه دهخدا، تهران، مؤسسه لغت‌نامه و دانشگاه تهران.
- رازینی، روح‌الله و مهدی عزیزی، ۱۳۹۴، «طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی»، مدیریت اسلامی، سال چهارم، ش ۳۳، ص ۷۳-۱۰۰.
- رازینی، علی، ۱۳۸۶، پژوهشی پیرامون مفردات قرآن، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- رضائیان، علی، ۱۳۸۶، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت.
- سیدحسینی، سیدرضا، ۱۳۷۷، عملگرایی در اسلام و اثرات آن بر برخی فرآیندهای مدیریت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر‌المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- ظلیانی، مهدی و فریبا حسین خوانساری، ۱۳۹۶، «معیارهای انتخاب و تصمیم‌گیری در سبک زندگی اقتصادی از منظر صحیفه سجادیه»، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱۸، ص ۱۸۱-۲۱۲.
- عزیزی، مهدی و روح‌الله رازینی، ۱۳۹۴، «طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی»، مدیریت اسلامی، ش ۹۳، ص ۷۳-۱۰۰.
- قمی، علی‌بن ابراهیم، ۱۳۶۳، تفسیر‌القمی، تصحیح و تعلیق سیدطیب موسوی جزایری، قم، دار‌الکتاب.

کلبینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه. —، ۱۴۲۹ق، *کافی*، قم، دارالحديث.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

منطقی، محسن، ۱۳۹۵، *تصمیم‌گیری در مدیریت بر مبنای آموزه‌های اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مهدوی آزادینی، رمضان و فاطمه محمودیان، ۱۳۹۵، «بررسی مفهوم پراگماتیسم و پیامدهای دینی آن»، در: *نخستین همایش ملی*

واژه‌پژوهی در علوم اسلامی.

میرساردو، طاهره، ۱۳۸۷، *فرهنگ جامع جامعه‌شناسی*، تهران، سروش.

وطن دوست، رضا، ۱۳۹۱، *عمل در قرآن*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

ویسی، غلامرضا، ۱۳۸۴، *تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری*، قم، مرکز ترجمه و نشر المصطفی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی